

دربارهٔ واکنش اصلاح طلبان تندرو به یک نطق

رادیکالیسم کلنل منصوری



علی مژوعی

خبرنگار گروه سیاست

فضای متشنج در صحن مجلس امر غیرمنظره‌ای نیست. اقتضای حضور یک جمع چندصدنفره که با هدف نقد و بررسی قوانین و عملکرد دستگاه‌های اجرایی جمع می‌شوند چنین چیزی است. در همین چهارچوب روزیکشنسبه نیز به‌عنوان یکی از روزهای پرسرو صدا در تاریخ مجلس دوازدهم به ثبت رسید. نقطه اوج این جلسه نیز جایی بود که رئیس مجلس با صراحت به اظهارات اخیر حسن روحانی و محمدجواد ظریف در انتقاد به رابطه راهبردی روسیه در مواجهه با ایران معترض شد و در این باره گفت: «دقیقاً در شرایطی که مسیر همکاری‌های راهبردی ما با کشور روسیه در حال پیشرفت است با مواضع خود به این مسیر لطمه زدند.» اگرچه به رویکرد حسن روحانی و محمدجواد ظریف در مواجهه با شرق چه در زمان مسئولیتشان و چه اکنون که سیاست را از بیرون مجرای دولت پیگیری می‌کنند انتقاد وارد است و طی گزارشی با موضوع «ظریف اظهارات روحانی را نقض کرد.» در «فرهیختگان» منتشر و نیز به تناقضات مواضع اخیر آن‌ها پرداخته شد؛ اما به هرحال برخی معتقدند که ظریف و روحانی نیز باید برای اظهارنظر آزاد باشند و به بهانه مواضع کشورهای دیگر نباید استقلال نظر چهره‌های سیاسی داخلی نفی شود. صحبت‌های رئیس مجلس نیز در عمل نافی اصل بدیهی آزادی در اظهارنظر نیست و صرفاً از جایگاه یک نماینده مجلس مطرح شد. البته می‌توان به اصل این موضع از جانب رئیس مجلس با محتوای آن نیز ایراد داشت؛ اما آنچه باید به آن توجه داشت این است که گروهی در دفاع از آزادی اظهارنظر برای ظریف و روحانی همین حق را برای قالیاب به‌عنوان یک نماینده مجلس قائل نبوده و بعضاً با اظهارات تدی حتی رئیس مجلس را با لیاخوف، کلنل روسی که مجلس را به توپ بست مقایسه کرده‌اند. در صدر این منتقدان رادیکال نیز آذرمنصوری نشسته است که از نظرش آزادی بیان متعلق به یک جریان سیاسی است و اگر صدایی در تضاد با علایق سیاسی این جریان بلند شد باید با تعابیر و تشبیهات رادیکال درصدد حذف مطلق آن برآمد. حال اگر این صدای مخالف از مجلسی بلند شود که اصلاح‌طلبان خود را از شرکت در انتخابات آن حذف کردند بهترین راه این است که آن مجلس به توپ بسته شود تا به تعبیر عامیانه دیگی که برای آذرمنصوری‌ها نمی‌جوشد آنچه نباید در آن بجوشد.

منافع ملی هم مهم است

بعد از یک جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با اسرائیل و متحدان این رژیم در ناتو عقل سلیم حکم می‌کند که ایران در پهنه جهانی تا می‌تواند روابطش را با قدرت‌های مقابل غرب تقویت کرده و از هر اهرمی برای افزایش توان رزم خود بهره جوید؛ در این فضا بر خی اما خواسته یا ناخواسته انزاوای جهانی را تجویز می‌کنند. اینکه بدون توجه به تجربه شکست روابط با غرب و همچنین

بدون ایده اجرایی برای آینده بازم تن دادن به هر نوع از مذاکره یا به تعبیر بهتر تحکم آمریکا و اروپا توسط برخی سیاسیون تجویز شده و هم‌زمان رشته‌های ارتباط با ششرق نیز گسسته شود در عملاً کارکردی جز انزوای ایران در پهنه پرتش بین‌المللی ندارد. حتی اگر برخی چهره‌های رسانه‌ای نیز به غلط در این مسیر بيفتند این توقع از تمام مسئولان اجرایی فعلی و سابق وجود دارد که با نگاه کردن به دوران مسئولیت خود از چنین خطایی بپرهیزند، به‌ویژه که خود نیز پیش از این اعتراف کرده باشند در گذشته در مواجهه با غرب خطا داشته‌اند. ظریف در کتاب «راز سر به مهر» اعتراف کرده است که سراب سرازیر شدن شرکت‌های غربی به ایران باعث شد دوستان دوران سختی را از خود برنجانیم. به عقیده وزیر امورخارجه اسبق ایران اگر این رنجش اتفاق نمی‌افتاد «تراشپ برای فشار حداکثری با مانع جدی مواجه می‌شد.» با وجود چنین درکی جای تعجب است که چرا محمدجواد ظریف بلافاصله بعد از اظهارات چند هفته پیش لاوروف به‌یکباره برافروخته شده و رویکرد روسیه در مواجهه با ایران را به طور کلی زیر سؤال ببرد. اگرچه این گزاره به معنی تایید اظهارات لاوروف نیست که مدعی بود در جریان قرار گرفتن «اسنپ‌بک در برجام» نقشی نداشته و از پذیرش آن توسط ظریف تعجب کرده اما به هر حال اینکه ظریف پس از این اظهارات رویکرد اعترافی خود در کتاب «راز سر به مهر» را نادیده گرفته و موضعی را ۱۸۰ درجه عوض و علیه روسیه تغییر بدهد این تصویر را می‌سازد که عدم ثبات این مقام بانجر به سیاسی در مواضعش به دلیل رویکردهای احساسی است و نه منطقی.

روحانی نیز در اظهاراتی مشابه در سخنانی به نقد عملکرد مسکو و پکن در قبال ایران پرداخت و گفت در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ هر دو کشور در همراهی با قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران نقش داشتند. او با اشاره به آن مقطع تاریخی گفت: «روسیه و چین نیز به آن قطعنامه‌ها رأی دادند و در عمل، در کنار غرب قرار گرفتند.» این اظهارات درحالی مطرح شد که حداقل در برهه زمانی کنونی به‌ویژه پس از یک تقابل ۱۲ روزه با اسرائیل و آمریکا این دو کشور موضعی کاملاً هم‌سو با ایران پیدا کرده‌اند. این دو کشور که خود عضو دائم شورای امنیت محسوب می‌شوند اعلام کرده‌اند که تصمیم این شورا در بازگرداندن قطعنامه‌های تحریمی ۶گانه علیه ایران را غیرقانونی دانسته و به رسمیت نمی‌شناسند. این تقابل دو عضو دائم شورای امنیت با تصمیم شورا اقدامی بی‌سابقه است که نشان‌دهنده ایجاد آمادگی برای گسترش تعاملات محسوب می‌شود و باید قدر دانسته شود نه اینکه به آن ضربه زده شود. نکته نقض دیگر در رویکرد روحانی این است که او با این توجیه که روسیه و چین در کنار غرب قرار گرفته‌اند از در تقابل با آن‌ها وارد شده و حتی در زمان دولتش نیز مرادوات با آن‌دورا کاهش داد؛ اما در مواجهه با خود غرب که از نظرش همراهی با آن‌ها نیز شایسته طرد است چنین مواج‌ه‌ای ندارد و حتی بارها به نهادهای مختلف از جمله مجلس معترض شده که اقداماتشان باعث موضع گرفتن طرف غربی و تشدید تقابل با ایران می‌شود.

البته ممکن است هنوز برخی نسبت به رویکرد این دو متحد شرقی انتقاداتی داشته باشند؛ اما کسانی که سابقه اجرایی دارند باید توجه داشته باشند که



پوتین در برابر تاماهاک از بوروستنیک رونمایی کرد

دنیا، دنیای موشک‌هاست

موشک‌های کروز بردی حداکثر ۲۵۰۰ تا بعضاً ۴ هزار کیلومتر دارند.
باین‌حال حداکثر برد مؤثر همان ۲۵۰۰ کیلومتر است.
برد محدود نسبت به موشک‌های بالستیک که به بردهای ۱۵ تا ۱۸ هزار کیلومتر دست می‌یابند، به ابعاد کوچک و ارتفاع پروازی پایین کروزها مربوط است؛ درحالی‌که موشک‌های بالستیک به دلیل ابعاد بزرگتر و ارتفاع پروازی بالا به برد بلند دست پیدا می‌کنند.
موشک جدید روس هاردی ۱۴ هزار کیلومتر را ثبت کرده که ۵/۵ برابر حداکثر برد قبلی کروزهاست.
ثبت این برد پس از ۱۵ ساعت پرواز صورت گرفته است.
نکته مهم آنکه کماکان جزئیات بیشتری اعلام نشده‌اند. آیا موشک پس از مدت زمان ۱۵ ساعت به هدفی فرضی در ۱۴ هزارکیلومتری رسیده است؟ یا آنکه برد عبوری اش ۱۴ هزار کیلومتر بوده است!

پیش‌رانشته‌ای

راز افزایش برد موشک کروز جدید روس‌ها پیش‌رانه هسته‌ای آن است که «توربوجت هسته‌ای» نام‌گذاری از توصیف شده است.
موشک‌ها انرژی خود را از مخلوط‌شدن و احتراق سوخت و اکسیژن به دست می‌آورند. در موتورها اکسیژن از طریق جریان هوا تأمین می‌شود و خبری از منبع جداگانه نیست. در موشک‌های بالستیک امکان استفاده از این روش وجود ندارد؛ اما موشک‌های کروز تقریباً همانند هواپیما عمل کرده و دارای موتوری‌اند که قادر به تأمین اکسیژن از جریان هواست. در موشک جدید روس‌ها یک احتمال به حرکت درآوردن روتورها یا پره‌های موتور توسط انرژی هسته‌ای است؛ اما برد نامحدود آن حکایت از فقرات سوختی دیگر در موشک دارد.

مواضعشان خنثی عمل نکند و ممکن است در نگرش‌های سیاسی بین دو کشور اثر بگذارد.
اینکه ظرفید در دولت‌زشکیان در جایگاه معاونت راهبردی مشغول بوده باعث می‌شود مقامات سیاسی کشورهای مختلف همچنان او را عنصری مؤثر تلقی کرده و مواضعش را از دریچه مواضع ایران تحلیل کنند.

آزادی بیان برای ما، مرگ برای همسایه

با وجود اثرات سوء رویکردهای برخی مقامات، برخی اعتقاد دارند که اگر انتقادی هم به مواضع ظریف و روحانی وجود دارد نباید از جایگاه ریاست مجلس مطرح شود؛ چرا که ممکن است به عنوان رجحان مواضع طرف‌های خارجی بر مقامات داخلی تلقی شده و تصویری غیرمستقل از کشور بسازد.
اصل طرح چنین انتقادی محل ابهام نیست؛ اما موضوع جایی جالب می‌شود که برخی با این توجیه که باید برای آزادی بیان چهره‌های سیاسی احترام قائل بود از ظریف دفاع می‌کنند؛ اما به نحوی به طرف مقابل حمله می‌کنند که باعث می‌شود ادعایشان زیر سؤال برود.
چگونه می‌شود از آزادی اظهارنظر برای مقامات سابق دفاع کرد؛ اما آزادی اظهارنظر رئیس مجلس به‌عنوان یک نماینده را تا حد تشبیه وی با لیاخوف زیر سؤال برد.
کسانی که چنین رویکرد تهاجمی دارند اتفاقاً بیشتر به لیاخوف شباهت دارند. لیاخوف زمانی که مجلس شورایی مل را بر خلاف مواضع روسیه دید آن را به توپ بستست تا وجود یک نهاد ضدروسی به طور کامل نفی شود و برخی اصلاح‌طلبان رادیکال نیز که مجلس دوازدهم را دربردارنده سلیقه سیاسی خود نمی‌بینند هر روز به بهانه‌ای آن را زیر سؤال برده و در اظهاراتشان آن را به توپ می‌بندند.
جالب اینجاست که این طیف زمانی که مجلس در دست خودشان است تا حد تحصن و تعطیلی مجلس نیز کار را جلو برده‌اند؛ اما زمانی که فضای مجلس را بر ضد خود ببینند حتی پیشنهاد انحلال آن را نیز مطرح می‌کنند.

بالاخره کدام؟

یک‌دست‌سازی خوب است یا یک‌دست‌سازی بد؟

سال ۹۲ زمانی که دولت دست اعتدالگرایان و حسن روحانی بود و مجلس نیز غالباً بدنه اولسراگرا منتقد دولت را در خود جای داده بود سعید حجاریان که از او به‌عنوان یکی از توروسیسین‌ها جریان اصلاحات نام برده می‌شود ایده انحلال مجلس با هدف تشکیل مجلسی هماهنگ با دولت را مطرح کرد و گفت: «اگر قانون اساسی عوض شود باید شرایطی فراهم شود تا مانند بسیاری از کشورها، دولت بتواند مجلس را منحل کرده و انتخابات زودهنگام برگزار کند.»
او دلیل چنین مطالبه‌ای را «ارای‌گیری مجدد مردم برای پدیدآوردن سیستمی هماهنگ» عنوان می‌کنند.
سعید حجاریان و جریان اصلاحات با اعتقاد به چنین باوری با شمار «فتح سنگر به سنگر» سال ۷۸ به دنبال این بودند که پیروزی خود در انتخابات ریاست‌جمهوری ۷۶ را به سایر کرسی‌های سیاسی و اجرایی تعمیم داده و تمام ارکان حکمرانی را به نفع خود یک‌دست کنند.
همین جریان اما زمانی‌که پیروزی جریان رقیب در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری سیزدهم و مجلس یازدهم و همچنین مجلس دوزادهم را دیدند «یک‌دست‌سازی» را به شعاری انتقادی تغییر داده و از آن به‌عنوان ابزار حمله به رقیب استفاده کردند.
سعید حجاریان که خود حامی یک‌دست‌سازی زیر پوشش ایجاد هماهنگی با دولت بود در ادامه «خالص‌سازی» را تبدیل به واژه‌ای انتقادی کرد و گفت پس از این مرحله یک مرحله دیگر به نام«خالص‌سازی» داریم که طی آن به تعبیر حجاریان بروکراسی و عرصه عمومی از هر آن چیز و هر آن کس که «دیگری» محسوب می‌شود خالص می‌شود.
اصلاح‌طلبان که اکنون به ضد خود تبدیل شده‌اند در این حد نیز متوقف نمانده و این روزها که مجلس را منتقد خود می‌دانند از پیشنهاد اصلاح قانون اساسی با هدف انحلال مجلس نیز پارافرات گذاشته و رسماً موجودیت آن را نفی می‌کنند.
برخی اصلاح‌طلبان رادیکال مثل آذر منصوری که سسایرین را به لیاخوف تشبیه می‌کنند این روزها دقیقاً مشابه با لیاخوف که مجلس را به توپ بست عمل کرده و حاضر به تحمل کوچک‌ترین صدای مخالفی از آن نیستند. این رویکرد متناقض نشان می‌دهد انتقاد به آنچه یک‌دست‌سازی نامیده می‌شود مبنای نظری دقیقی نداشته و باعث می‌شود اصلاح‌طلبان در رویکرد منفعت‌طلبانه سیاسی بی‌ثبات ظاهر شوند و یک روز آن را ترویج کرده و یک روز هم منتقد آن باشند.

امضاهای جعلی هم کمکی به پهلوی‌چی‌ها نکرد

شکست ثقلب بزرگ پهلویست‌ها

سیدعلی موسوی

کارشناس رسانه

پس‌روژه «ایران را پس می‌گیریم» که در تاریخ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵ با پیام ویدئویی رضا پهلوی راه‌اندازی شد، به‌عنوان یک کارزار دیجیتال برای جمع‌آوری امضا در حمایت از گذار دموکراتیک ایران معرفی شد. این سامانه که روی وبسایت iranopasmigirim.com فعال بود، هدف خود را اتحاد میلیون‌ها ایرانی برای ساخت یک ایران آزاد و شکوفا اعلام کرده بود.

باین‌حال، تنها پس از حدود سه هفته فعالیت، این پروژه به طور ناگهانی در ۲۴ اکتبر ۲۰۲۵ متوقف شد، بدون هیچ توضیح رسمی یا پاسخگویی از سوی رضا پهلوی یا تیمش. این کارزار بخشی از تلاش‌های رضا پهلوی برای تقویت جایگاه خود در اپوزیسیون جمهوری اسلامی بود. او در پیام اولیه خود، این پلنغم را ابزاری برای رازینی دیپلماتیک و حمایت از ملت ایران توصیف کرد. آمار اولیه نشان‌دهنده رشد سریع امضاها بود و تا زمان توقف، عدد به حدود ۴ میلیون امضا رسید. اما این رشد، مورد انتقاد قرار گرفت.

افشاگری‌ها در مورد امضاهای جعلی

از همان روزهای اولیه، کاربران در پلتفرم X (توییتر سابق) شروع به بررسی فنی سایت کردند و شواهدی از تقلب سیستماتیک ارائه دادند. یکی از برجسته‌ترین افشاگران، کاربری با نام @nofouziha بود که با جمع‌آوری داده‌های دقیق به‌دقیقه، گراف‌ها و ویدئوهایی منتشر کرد که نشان‌دهنده الگوهای غیرطبیعی در افزایش امضاهاست.

طبق این مستندات آماری:

- امضاها به‌صورت سیستماتیک و با استفاده از فرمول‌های رندوم (مانند تولید اعداد بین ۵۰ تا ۵۰۰ در هر دقیقه) افزایش می‌یافت، بدون وابستگی به فعالیت واقعی کاربران.
- سایت اجازه امضا‌های چندگانه از یک دستگاه را می‌داد که این امر تقلب را تسهیل می‌کرد.
- گراف‌های منتشرشده نشان‌دهنده الگوهای تکراری ۲۴ ساعته بودند که با رفتار طبیعی کاربران (مانند تفاوت در ساعات شبانه‌روز یا روزهای تعطیل) همخوانی نداشت.
- این افشاگری‌ها نتنها از سوی منتقدان رژیم، بلکه توسط برخی سلطنت‌طلبان و کاربران مستقل نیز تأیید شد. برای مثال، اکانت نفوذی خود را منتقد اپوزیسیون معرفی می‌کند، ویدئوهایی تهیه کرد که نشان می‌دهد چگونه سایت بدون کنترل واقعی، اعداد را دست‌کاری می‌کند.

توقف ناگهانی و عدم پاسخگویی

در ۲۴ اکتبر، سایت بدن هشدار قبلی غیرفعال شد و گزینه امضا حذف گردید. این اقدام پس از اولتیماتوم ۵ روزه‌ای از سوی افشاگران صورت گرفت که خواستار توضیح یا عذرخواهی بودند. بااین‌حال، رضا پهلوی و تیمش هیچ واکنشی نشان ندادند؛ نه معذرت‌خواهی از هواداران، نه انتشار آمار واقعی و نه حتی توجیه فنی برای الگوهای مشکوک. این سکوت، انتقادهای بیشتری را برانگیخت و برخی آن را نشانه‌ای از عدم شفافیت و تمرین دیکتاتوری دانستند. این پروژه در فهرست پروژه‌های ناموفق رضا پهلوی قرار می‌گیرد، مانند شسورای ملی، پیمان نوین، یا ائتلاف دوران گذار که اغلب با انتقادهایی مشابه روبه‌رو شده‌اند. افشاگری‌ها همچنین به بحث‌های بزرگ‌تری در مورد نقش اسرائیل در حمایت از چنین کمپین‌هایی دامن زد، با ادعاهایی مبنی بر کارگردانی خارجی.

در نهایت، توقف این کارزار بدون پاسخگویی، سؤالاتی جدی در مورد اعتبار اپوزیسیون سلطنت‌طلب و ضرورت شفافیت در فعالیت‌های سیاسی مطرح می‌کند.

نوع معادل یک سلاح هسته‌ای آسیب وارد می‌کند، بدون آنکه آسیب‌های زیست‌محیطی چنین سلاح‌هایی را برجای بگذارد. همچنین موشک بوروستنیک دارای بخش‌های هسته‌ای است که حتی اگر بدون کلاهک هسته‌ای پرتاب شود، در صورت اصابت به هدف می‌تواند مانند بمب کثیف عمل کرده و محیط را آلوده به رادیواکتیو کند.

نکات

۱ روس‌ها پیش ازاین، موشک بالستیک اورشنیک را آزمونش کرده‌اند. تخمین زده‌می‌شود برد این موشک به پنج هزار کیلومتر می‌رسد. مسکو آن را علیه اوکراین به کار برد؛ اما گفته می‌شود کلاهک‌های اصابت کرده فاقد مواد منفجره بودند. اهمیت این پرتاب، عبور بی دردسر از تور پادفند موشکی اوکراین بود که بر پاتریوت استوار است.

۲ روسیه قصد داشت پیش ازاین با موشک هایپرسونیک زیرکون معادلات را تغییر دهد؛ اما حالا به سیستم‌های جدیدی رسیده است. زیرکون پیش از این در حملات علیه اوکراین علی‌رغم عبور راحت‌تر از سامانه‌های پادفندی، در مواردی توسط پاتریوت شکار شد.

۳ اورشنیک موشکی غیرهسته‌ای است و از طریق سرعت و حرارت بالا اهداف را نابود می‌کند. روس‌ها در مسلح‌های بازدارندگی خود به سمت انعطاف رفته‌اند تا به سه‌گانه هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی وابسته نباشند.

۴ غرب روی سیستم‌های تسلیحاتی نوین روس‌ها تمرکز کرده و تاکنون جاسوس‌هایی در این زمینه دستگیر شده‌اند. رونمایی موشکی روسیه در زمانی صورت گرفته که آمریکا هم‌زمان با تحریم روسیه احتمال دارد فرایند مسلح‌سازی اوکراین به موشک‌های کروز تاماهاک را آغاز کند.